

Analysis of Social Factors Affecting Political Trust from the Perspective of Public Opinion in Yazd

Akbar Zolfeghari¹

Received: 05 Dec 2020

Reception: 30 Mar 2021

Background and Purpose: Political trust is the most important elements in democracy which has an important role in political and social stability of society. Yazd has experienced high political participation level in throughout history. According to this; this study intends to investigate the social factors affecting political trust from the perspective of public opinion in Yazd by survey method.

Methodology: The research method was survey (quantitative); the data collection tool was a questionnaire and Using Cochran's general formula, a sample size of 384 was determined in the sampling method, simple random cluster sampling among them id distributed and reliability is met using alpha.

Findings: The research findings show that there is a significant relationship between religious affiliation, socio-political cohesion, national identity, relative deprivation, mass media consumption, social justice and legalism with political trust. In terms of multiple regressions; religious affiliation with beta value (0.219), socio-political cohesion (0.303), national identity (0.462), relative deprivation (0.386), media consumption (0.397), social justice (0.372) and legalism (0.245) had the greatest effect on political trust.

Result: Based on the results of the study, independent variables in model could express and prospect 45 percent of political trust changes. This variable is equal to 35% at the high level, 39% at the average level and 26% at the low level. Accordingly, the political trust of the citizens of Yazd is appropriate.

Keywords: Political Trust, Public Opinion, Mass Media, Social Participation, Political Development.

1. Assistant Professor Department of Political Science, Faculty of Social Science, Payame Noor University, Tehran, Iran. Akbar_zolfeghari@yahoo.com

تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتماد سیاسی از منظر افکار عمومی مردم یزد

اکبر ذوالفقاری^۱

دریافت: ۹۹/۹/۱۵

پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: اعتماد سیاسی امری الزامی برای افزایش پایداری نظام‌های اجتماعی است. یزد در طول تاریخ همیشه میزان مشارکت سیاسی بالایی را تجربه نموده است، بر این اساس؛ این پژوهش قصد دارد عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتماد سیاسی از منظر افکار عمومی مردم یزد را با روش پیمایش بررسی نماید.

روش: روش پژوهش از نوع پیمایش (کمی)، ابزار جمع‌آور داده‌ها، پرسشنامه بوده و با استفاده از فرمول عمومی کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین و به روش نمونه‌گیری خوشه تصادفی ساده در بین آن‌ها توزیع شده و پایایی شاخص‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ برآورد شده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق حاکی است بین متغیر تعلق مذهبی، انسجام سیاسی - اجتماعی، هویت ملی، محرومیت نسبی، مصرف رسانه‌ای، عدالت اجتماعی و قانون‌گرایی با اعتماد سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. برحسب رگرسیون چندگانه؛ تعلق مذهبی با مقدار بتای (۰/۲۱۹)، انسجام سیاسی - اجتماعی (۰/۳۰۳)، هویت ملی (۰/۴۶۲)، محرومیت نسبی (۰/۳۸۶)، مصرف رسانه‌ای (۰/۳۹۷)، عدالت اجتماعی (۰/۳۷۲) و قانون‌گرایی (۰/۲۴۵) بیشترین اثر بر اعتماد سیاسی را داشته‌اند.

نتیجه: بر اساس یافته‌های تحقیق؛ در مجموع متغیرهای مستقل در مدل توانستند ۴۵ درصد

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

از تغییرات اعتماد سیاسی را پیش‌بینی کنند. نتایج همچنین نشان می‌دهد این متغیر در سطح بالا برابر با ۳۵ درصد، متوسط ۳۹ درصد و در سطح پایین ۲۶ درصد است. بر این اساس وضعیت اعتماد سیاسی شهروندان یزد در حد مناسب است.

کلیدواژه‌ها: اعتماد سیاسی، افکار عمومی، رسانه‌های جمعی، مشارکت اجتماعی، توسعه سیاسی.



مقدمه و بیان مسئله

اعتماد مهم‌ترین عامل پیوستگی و تداوم زندگی اجتماعی مدرن است (خواجه‌سروی و فرهادی، ۱۳۹۷: ۵۸). کوهن^۱ ۱۹۹۶؛ به نقل از (درانی و رشیدی، ۱۳۸۷: ۱۳) اعتماد را انتظار دریافت حسن نیت مداوم از سوی امین و انجام رفتار به‌قاعده شرافتمندانه و مشارکت جویانه بر اساس هنجارهای مشترک از سوی دیگران می‌داند. به اعتقاد الیسون^۲ و فایرستون^۳ (۱۹۷۴)؛ اعتماد به معنای واگذاری منابع به دیگران با انتظار کاهش حداقلی نتایج منفی است. اعتماد سیاسی به فکر و احساس مردم درباره‌ی سیاستمداران و سیاست اشاره دارد (ابراهیمی، بابازاده‌بانی و ابراهیمی‌گنابی، ۱۳۹۰: ۷۱)، از ارکان مهم دموکراسی و همان مجموعه نگرش‌های مثبت نسبت به مسائل سیاسی است (گابریل، ۱۹۹۵). به‌عبارت‌دیگر؛ اعتماد سیاسی نگرش مثبت مردم نسبت به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی است (پناهی و شایگان، ۲۰۰۷). اعتماد سیاسی مبنای مشروعیت نظام سیاسی است که همواره تحت تأثیر عواملی نظیر مشارکت مردم، قانونمندی، کارآمدی و تقویت تعامل ارزش‌ها و عملکرد نظام به‌عنوان عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی بوده است (قوام‌العلی، ۱۳۷۱). فوکویاما^۴ (۱۹۹۵) درک مشترک جامعه اخلاقی، اجتماعی و سیاسی با تأکید بر ارزش‌های اجتماعی را لازمه ایجاد اعتماد سیاسی می‌داند. گابریل، آلموند و سیدنی وربا، دیوید ایستون، رابرت پاتنام، آیزنشتات و برتران بدیع اعتماد سیاسی را فرایندی از پائین به بالا و برخی از اندیشمندان علوم سیاسی هم نظیر چارلز تیلی، کریستنسن پیرلاگريد و کنت اعتماد سیاسی را فرایندی از بالا به پائین معرفی و آن را تحت تأثیر عملکرد نظام سیاسی می‌دانند. مهم‌ترین شاخصه‌ها و متغیرهای اعتماد سیاسی از دیدگاه سیتزین؛ احساس مردم نسبت به سیاستمداران، از دیدگاه ایستون؛ گرایش به سمت رژیم سیاسی و سردمداران قدرت، از دیدگاه لیپست و اشنایدر؛ رهبران سیاسی، از دیدگاه نوریس؛ حمایت از اجتماع سیاسی، حمایت از امور اجرایی، حمایت از کنشگران سیاسی و نهادهای سیاسی، از دیدگاه بریتزر؛ میزان اعتماد افراد به سیستم و نظام سیاسی، کارگزاران فعال و میزان اعتقاد افراد به نهادهای سیاسی و از دیدگاه گیدنز؛ دین‌داری حکام و پیوند قومی آن‌ها با مردم تخصص، مهارت و توانایی کارگزاران سیاسی است. آلموند و وربا تأکید می‌کنند فرهنگ مدنی به‌عنوان یک برداشت همگانی و گسترده از رقابت سیاسی و اعتماد متقابل در بین شهروندان است (آلموند و وربا ۱۹۸۲، ۵: ۴؛ به نقل از (خواجه‌سروی و فرهادی، ۱۳۹۷: ۵۸)

● ماکس وبر^۶ (بروبکر، ۲۰۱۳؛ وهیمستر و لاش، ۲۰۱۴) مبنای اعتماد سیاسی در جوامع سنتی را پابندی حاکمان به سنت‌ها؛ در جوامع خارق‌العاده؛ وجود حاکمان فرهمند و در جوامع مدرن را قانون و عقلانیت می‌داند. اعتماد سیاسی از دیدگاه زتونکا^۷ نشأت گرفته از عوامل متعددی مانند سنت‌های تاریخی، ثبات نظام سیاسی، شفافیت سازمان اجتماعی، آشنایی با محیط اجتماعی، میزان پاسخگویی، عمل‌گرایی، خوش‌بینی، گرایش به آینده، تمایل به کسب موفقیت و مجموعه شاخصه‌های سرمایه اجتماعی شامل ثروت و دارایی، امنیت شغلی، تعداد نقش‌ها، قدرت، تحصیلات، شبکه‌های روابط اجتماعی، خانواده سالم و اعتقادات دینی است (زتومکا، ۱۳۹۱). به اعتقاد بریتزر^۸؛ اعتماد سیاسی از پنج شاخصه مهم یعنی ۱. حمایت از اجتماع‌هایی مثل ملت و کشور؛ ۲. حمایت از قانون اساسی؛ ۳. حمایت از امور اجرایی مثل دموکراسی؛ ۴. حمایت از نهادهای رژیم مثل دولت، پارلمان، قوه قضاییه، پلیس و نظام اداری؛ ۵. حمایت از کنشگران سیاسی و روسای سیاسی و اجرایی شکل گرفته است (۲۰۰۴، ۶). روتستین^۹ و همکاران (۲۰۰۲، ۳۹)، پارلمان، حکومت، احزاب سیاسی، رسانه، تلویزیون، پلیس، ارتش و نهادهای حقوقی را در اعتماد سیاسی بسیار مهم می‌دانند. پارسونز (۲۰۱۷: ۲) اعتماد سیاسی را وابسته به کارکرد سیستم سیاسی و اقتصادی، اعتماد به قانون، اعتماد به نهادهای اجتماعی می‌داند. نگرش مثبت به مقامات سیاسی، ارزیابی اقتصادی و رضایت سیاسی، نقش مؤثری در اعتماد سیاسی شهروندان دارد. اعتماد سیاسی به روابط بین مردم و حاکمیت نظر دارد. مردم برای رفع نیازهای خود از جمله تأمین امنیت و آسایش به دولت نیاز دارند و دولت‌ها هم برای دوام و بقای خود و مشروعیت حکومتشان به مردم نیازمندند. این رابطه بدون اعتماد متقابل مردم و دولت امکان‌پذیر نیست (شایگان، ۱۳۹۴: ۱۸). نظام‌های سیاسی برای توسعه و موفقیت در حکمرانی نیاز به اعتماد سیاسی شهروندان دارند. اعتماد شهروندان به نهادهای سیاسی سرمایه بزرگ سازمان‌هاست که به تدریج در گذر زمان، با تلاش صادقانه اعضای سازمان و البته حمایت نهادهای نظارتی به دست می‌آید (هاشم‌زهی و جاه‌بین، ۱۳۹۲: ۱۴۶). خلاصه اینکه؛ اعتماد سیاسی موجب تعامل بیشتر و بهتر بین مردم و دولت و مشارکت سیاسی مردم می‌شود و کاهش آن موجب عدم حمایت و پشتیبانی مردم از مسئولان، عدم رعایت قوانین و مقررات، عدم حمایت از برنامه‌های دولت، فرار از پرداخت مالیات و در موارد خیلی حاد، موجب بحران مشروعیت می‌گردد. از این‌رو؛

حفظ اعتماد سیاسی و افزایش اعتماد مردم یکی از مسائل مهم و مورد توجه دولت‌هاست که باید در این زمینه از تمام امکانات و ابزارهای لازم بهره بگیرند تا اعتماد مردم به خود را افزایش دهند. دیوار بی‌اعتمادی پایه‌های نظام سیاسی را متزلزل و مشروعیت و مقبولیت نظام را زیر سؤال می‌برد. از مهم‌ترین ارکانی که می‌توان نمودهای اعتماد و بی‌اعتمادی را در آن جستجو کرد؛ انتخابات است. انتخابات، فرایندی چند سویه به شمار می‌رود که اعتماد مردم به نهادهای سیاسی به خوبی در آن محک زده می‌شود. مردم یزد از دیرزمان در قلمرو سیاست حضور داشته و سرنوشت انتخابات را برای خود مهم می‌دانسته‌اند (حکیمیان، ۱۳۸۸). از این رو؛ مردم یزد در دوره‌های متفاوت انتخابات، رفتارهای متفاوتی از خود بروز داده‌اند که این رفتارها گویای اعتماد و بی‌اعتمادی شهروندان یزدی به نهادهای سیاسی حاکم در شرایط متفاوت بوده است. از آنجائی که تداوم و استمرار این بی‌اعتمادی، زمینه بسیاری از مشکلات سیاسی را فراهم خواهد کرد. میزان مشارکت مردم یزد در ۱۰ دوره انتخابات گذشته مجلس شورای اسلامی فراز و نشیب‌هایی داشت. میانگین مشارکت مردم یزد در ۹ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی ۶۰ درصد بوده در حالی که این میزان در برخی از ادوار نمایندگی به بیش از ۸۰ درصد هم رسیده است (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران - استان یزد، ۱۳۹۸) یا در دهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۸۸)، یزد و مازندران با درصد مشارکت نزدیک به ۱۰۰ درصد بالاترین میزان مشارکت در بین استان‌های کشور را داشتند (پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور، ۱۳۸۸). علاوه بر این؛ در مواردی هم تفاوت رأی بین نامزدهای غالب و نامزدهای مغلوب انتخابات، بسیار فاحش و حاکی از بی‌توجهی طیف خاصی از مردم به موضوع انتخابات بوده است؛ که این موضوع ضرورت بررسی و پاسخ به این دو سؤال را دوچندان می‌کند. بر این اساس؛ هدف و سؤال اصلی پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

بین عوامل تعلق مذهبی، انسجام سیاسی - اجتماعی، هویت ملی، محرومیت نسبی، مصرف رسانه‌ای، احساس عدالت اجتماعی و قانون‌گرایی با اعتماد سیاسی شهروندان یزدی رابطه‌ای وجود دارد؟

۱- تعریف مفاهیم اساسی

اعتماد: اعتماد عبارت از تمایل به خطرپذیری در بطن اجتماع بر اساس حس اعتماد

به دیگران است (دادورخانی، ملکان، عزمی و احمدی، ۱۳۹۲). اعتماد و داشتن اعتماد به دیگری از مفاهیم و عناصر مهم اجتماعی در جامعه است. بقا و تداوم جامعه و گروه‌های انسانی وابسته به کنش‌ها و روابط اعضا آنهاست. سطح و عمق کنش‌های انسانی در یک گروه نشان‌دهنده پیوستگی، انسجام، همدلی و تعلق میان اعضاست (زین آبادی، ۱۳۹۰، ص ۳۶). اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد را می‌توان داشتن دید مثبت و حسن ظن درباره افراد جامعه دانست (معیدفر و جهانگیری، ۱۳۸۸، ص ۱).

اعتماد سیاسی: اعتماد سیاسی عنصری پایدار در پویایی یک نظام اجتماعی است. پاسخگویی متقابل نهادها و دولت‌ها در مسائل اجتماعی، باعث ارتقای سطح اعتماد سیاسی می‌گردد. پس اعتماد به‌عنوان مهم‌ترین سازه سرمایه اجتماعی و از مهم‌ترین مفاهیم مطرح در حوزه علوم اجتماعی معاصر است (کتابی، ادیبی سده، قاسمی و صادقی‌ده‌چشمه، ۱۳۸۹). به‌عبارت‌دیگر اعتماد سیاسی، یعنی احتمال کسب نتایج مطلوب بدون این‌که یک گروه از مردم برای وقوع آن کاری صورت بدهند (ذوالفقاری و جعفری علی آبادی، ۱۳۹۷). اعتماد چسب اجتماعی تعریف‌شده‌ای که اعضا را به یکدیگر متصل می‌کند و با القای همکاری و احساسات مثبت برای کاهش نابهنجاری حیاتی است (سردارنیا، قدرتی و اسلام، ۱۳۸۸: ۴۳).

هویت ملی: هویت ملی از تعلق فرد به یک سرزمین و دلت ملی خاصی سرچشمه می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲) و منابع سرزمینی را با عناصر قومی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی سیاسی ترکیب می‌کند (ملکشاهی، قاسمی و گیایوو، ۱۳۹۳: ۱۸۴). داشتن هویت اشتراکی، مکانیسم ایجاد وفاق، همدلی، انسجام و همبستگی اجتماعی و استمرار حیات جمعی است (حیدری، ۱۳۹۶: ۲). هویت ملی، گسترده‌ترین (رستگارخالد، سلمان‌بیدگلی و پاکیده‌دلشاد، ۱۳۹۵)، بالاترین سطح هویت جمعی (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۴۲)، آخرین امر اکتسابی (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۱۳) و فراگیرترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی است (امیر ملکی و عباسپور، ۱۳۸۷: ۱). اهمیت هویت ملی نسبت به سایر انواع هویت جمعی در تأثیر بسیار آن بر حوزه‌های متفاوت زندگی در هر نظام اجتماعی است (مقیم‌ی و امینی، ۱۳۹۱: ۱۵۵) کارکرد مهم هویت، ایجاد پیوستگی و همانندی در گروه‌های قومی است (غفاری نسب، مساوات، قاسمی نژاد و علایی، ۱۳۹۵: ۱۱). برخی از عناصر تشکیل‌دهنده

هویت ملی عبارت از دین، زادگاه و سرزمین، تاریخ، باورهای دینی و سنت‌ها، باورها و رفتارها، دانش و فنون، خودآگاهی (عشایری، ذولفقاری، نامیان و حسین‌زاده، ۱۳۹۷: ۵۸).

محرومیت نسبی (ناکامی - نارضایتی): محرومیت نسبی همان ناکامی یا سرخوردگی است (اصغری‌نیاری و محموداوغلی، ۱۳۹۷) که منشأ بسیاری از رفتارهای سیاسی خشونت‌آمیز است

مصرف رسانه‌ای: مصرف رسانه‌ای به معنای میزان استفاده مخاطبان از رسانه‌های داخلی و خارجی و همچنین میزان اثرگذاری رسانه‌های داخلی و خارجی بر مخاطبان و نقش این رسانه‌ها در ایجاد، شکل‌گیری، توسعه و یا کاهش اعتماد در اجتماعات سیاسی است

انسجام سیاسی-اجتماعی: انسجام؛ موقعیتی است که افراد جامعه با تعهدات مشترک باهم ارتباط یافته‌اند (فرهمند، سعیدی‌مدنی و سهندی خلیفه‌کندی، ۱۳۹۴: ۹۹۹). انسجام سیاسی و اجتماعی به معنای یکپارچگی ملت، عامل استحکام جامعه است و مخاطبان آن نیز توده‌های ملت، مسئولین نظام و دستگاه‌های دولتی هستند (کربلایی اصل، ۱۳۹۴: ۲۶). به اعتقاد جانسون؛ انسجام اجتماعی شامل اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که در شکل‌گیری ارتباطات اجتماع و افزایش مشارکت مردم در امور و نهایتاً تأمین منافع آنان مؤثر است (جانسون و دیگران، ۲۰۱۷). برخی از پژوهشگران؛ اعتماد سیاسی را عامل وحدت و یکپارچگی (نعمت‌اللهی، فرج‌اللهی، میرجلیلی و مؤمنی فرد، ۱۳۹۲) و رعایت نظم و مقررات (قاسمی، ۱۳۸۴) و انسجام می‌دانند. پینسکی^۱ (۲۰۱۷)؛ به نقل از (قاضی‌زاده و احسانی، ۱۳۹۷: ۱۰۴) هم معتقد است باورهای اجتماعی، هنجارها یا ارزش‌های عمومی‌اند که جوامع را منسجم، یکپارچه و وفاق اجتماعی را تقویت می‌کنند. مفهوم انسجام سیاسی-اجتماعی همان وابستگی عناصر نظام شامل عناصر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که می‌تواند به تقویت ارتباطات سیاسی، ارتباطات گفتمانی، ارتباطات اقتصادی، ارتباطات عاطفی و نهایتاً اعتماد اجتماعی منجر شود (موسوی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). به اعتقاد آیزنشتات؛ مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی، اعتماد و همبستگی اجتماعی (بخارایی، صالحی و معصومی‌جهتلو، ۱۳۹۴) است که بدون آن، پایداری نظام سیاسی-اجتماعی با خدشه روبرو می‌شود (چلبی، ۱۳۸۹: ۱۲).

۲- پیشینه تجربی

نتایج	نتایج	نتایج	نتایج
رویکردهای پوپولیستی، اعتماد سیاسی و اثر بخشی سیاسی بیرونی نسبتاً کم، با هم تفاوتی ندارند که به گویای با هم مرتبط هستند و با یکدیگر سروکار دارند.	گورکینک ^{۱۱} و همکاران (۲۰۲۰)	اعتماد به نظام سیاسی بیشتر از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. میزان دین داری پاسخ گوینان و نیز اعتماد بنیادی آنان، رضایت از عملکرد نقاط تماس، برداشت از میزان تعهدات مذهبی مسئولان و نیز تلاش دولت برای تأمین رفاه اجتماعی - اقتصادی مردم بر اعتماد سیاسی تأثیر دارد. بیشترین تأثیر مربوط به تلاش دولت برای تأمین رفاه مردم است.	پناهی و شایگان (۱۳۸۶)
اعتماد سیاسی موجب حمایت بیش از پیش آمریکایی ها از مهاجرت و مهاجران شده است. در آمریکا افراد سیاسی قابل اعتماد اعم از دموکرات ها و جمهوری خواهان، از سیاست های مهاجرت حمایت می کنند و این نشان از اهمیت اعتماد سیاسی در بین دموکراتان آمریکایی و دولت های آمریکا است. توجه به اعتماد سیاسی در آمریکا ناشی از اعتمادی است که به دولت به عنوان بازیگر اصلی عرصه مدیریت سیاست های مهاجرتی و مهاجرت وجود دارد	مکدو نالد ^{۱۲} (۲۰۲۰)	اعتماد سیاسی مردم در حد متوسط است. اعتماد به نظام سیاسی بالاتر از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. از بین عوامل تأثیرگذار و وضعیت رفاهی و رضایت از زندگی و نگرش مردم نسبت به تلاش دولت در ایجاد رفاه اجتماعی - اقتصادی مهم ترین نقش را در اعتماد سیاسی دارد.	شاگان (۱۳۸۷)
اینترنیت موجب بی اعتمادی شهروندان نسبت به نهادهای سیاسی می شود میچاپهای سیاسی می توانند این تأثیرات مخرب اینترنیت بر اعتماد سیاسی را از بین ببرند. حکومت های حکومت های دموکراتیک با تسهیل ارتباط دولت و جامعه، نارضایتی های سیاسی را کاهش و اعتماد سیاسی را افزایش می دهند. رژیم های استبدادی با محدودیت ها، نارضایتی و بی اعتمادی شهروندان فعال اینترنیتی را تعمیق می بخشند.	یو ^{۱۳} و وانگ ^{۱۴} (۲۰۲۰)	میزان اعتماد سیاسی در میان پاسخگوینان چنان زیاد نیست و این رنگ خطری است برای مسئولان تا با توجه بیشتر به افشار تحصیل کرده و دانشجوی در صدد اعتماد سازی بر آیند. جنسیت و میزان تحصیلات بر میزان اعتماد تأثیر دارد، ولی اعتماد سیاسی در طبقات اجتماعی، متفاوت است و طبقات اجتماعی بالاتر اعتماد سیاسی کمتری دارند. با توجه به سطح پایین اعتماد سیاسی، دولت برای افزایش اعتماد مناسب با واقعیت های عینی کشور برنامه ریزی جدی نماید	سرابی و صفیری (۱۳۸۸)

<p>منابع تغییر و تغییر در اعتماد طبیعیاً سیاسی اما چندوجهی است. برای تقویت اعتماد سیاسی شهروندان به نظام سیاسی لازم است:</p> <p>بین اعتماد سیاسی شهروندان به مقامات و اعتماد سیاسی شهروندان به رژیم تمایز قابل شوم.</p> <p>به بیش از پیش در خصوص اعتماد سیاسی و سازوکارهای تقویت آن اهمیت قابل شومیم</p> <p>کانوَن‌های بی‌اعتمادی به دولت را کاهش دهیم</p>	<p>سیتزین^{۱۵} و استوکر^{۱۶} (۲۰۱۸)</p>	<p>تنها ۲۶/۷ درصد از افراد دارای اعتماد سیاسی پایین هستند و ۵۶/۳ درصد از افراد دارای اعتماد سیاسی متوسط و ۱۷ درصد از افراد دارای اعتماد سیاسی بالا می‌باشند. اعتماد به نظام سیاسی بیش از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. از بین متغیرها به ترتیب متغیرهای دین‌داری، استفاده از رسانه‌های داخلی، استفاده از رسانه‌های خارجی، عضویت در گروه‌های سیاسی - دینی، رضایت از زندگی، هویت، محرومیت نسبی، مذهب (شیعه) و عضویت در گروه‌های فرهنگی؛ در مجموع ۴۷/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کردند. متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی رابطه مثبت معناداری با اعتماد سیاسی دارد ولی میزان درآمد دارای رابطه منفی معنادار با اعتماد سیاسی است. همچنین رابطه بین متغیرهای سطح تحصیلات و قومیت با اعتماد سیاسی معنادار شد.</p>	<p>جهاگیری و ابوترابی زارچی (۱۳۹۱)</p>
<p>فرهنگ گرای و نهادگرایی از مهم‌ترین ریشه‌های اعتماد سیاسی هستند.</p> <p>انسجام اتحاد، یکپارچگی، پیوستگی، انبلاوف و سرمایه اجتماعی پیامدهای اصلی گسترش اعتماد سیاسی در جامعه و نظام سیاسی به شمار می‌روند. جوامع مدنی و دموکراتیک می‌توانند مأمورهای خوب و مناسبی برای گسترش اعتماد سیاسی باشند.</p>	<p>۱۷ و ۱۸ زمردی (۲۰۱۷)</p>	<p>بسیاری از کشورها برای سنجش اعتماد سیاسی شاخص‌های فرهنگی و اقتصادی خود را در نظر می‌گیرند. در حالی که در ایران هنوز کاری در رابطه با تعیین مقیاس خاص صورت نگرفته است. کشورهای توسعه‌یافته با در نظر گرفتن مسائل اقتصادی و فرهنگی خود اقدام به تعیین شاخص و سنجش اعتماد سیاسی کرده‌اند. در ایران متغیرهای مانند دین‌داری مسئولان سیاسی با توجه به بافت مذهبی ایرانیان مورد توجه قرار می‌گیرد. برای سنجش اعتماد سیاسی استفاده از الگوی بومی می‌تواند راهگشا باشد.</p>	<p>دانش فرد و ادیب زاده (۱۳۹۵)</p>

<p>اعتماد سیاسی پیش شرط لازم برای تحقق حکومتهايچکومت‌های دموکراتیک محسوب می‌شود. کاهش اعتماد سیاسی در حکومتهايچکومت‌های دموکراتیک اساساً کیفیت دموکراسی را زیر سؤال می‌برد اعتماد سیاسی اساساً حمایت شهروندان از نهادهای سیاسی مانند دولت و مجلس در مقابل عدم اطمینان نسبت به اقدامات این نهادها تلقی می‌گردد. فساد، بی‌عدالتی، عملکرد نامناسب دولت‌ها از منابع بی‌اعتمادی سیاسی محسوب می‌شوند می‌شوند.</p>	<p>وان^{۱۹} و میر^{۲۰} (۲۰۱۷)</p>	<p>وضعیت اعتماد سیاسی به‌نظام در میان نسل سوم انقلاب قابل‌قبول بوده اما نیاز به تقویت دارد. برخی عواملی که بیشترین سهم در کاهش اعتماد سیاسی داشته و نیاز به اصلاح دارند عبارت‌اند از: بی‌اعتمادی به برنامه‌های صداوسیما، صادق نبودن مسئولان دولتی و نمایندگان مجلس، تفاوت سطح زندگی مردم و مسئولان، عمل نکردن به وعده‌ها و عده‌ها توسط مسئولان، تفاوت حرف و عمل، دروغ‌گویی مسئولان دولتی، توزیع ناعادلانه ثروت بین مردم، نرس از فعالیت سیاسی و عملکرد نامناسب نظام در تأمین حقوق مردم</p>	<p>سید امامی و قادری (۱۳۹۵)</p>
<p>عوامل د سیاسی و اقتصادی دولت در گردشگری، اعتماد بین فردی و مزایای گردشگری و اعتماد سیاسی رابطه مثبت و معناداری دارند. اعتماد سیاسی بیشتر بر گردشگری انبوه اثر می‌گذارد تا گردشگری جایگزین. برای تداوم توسعه گردشگری، اعتماد سیاسی در بین مردم محلی تقویت شود</p>	<p>نورنکو^{۱۱} و گورسوی^{۱۲} (۲۰۱۷)</p>	<p>این مطالعه جنبه‌ها و مؤلفه‌هایی را مشخص کرد که بر اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی تأثیر مثبت دارند و به‌عنوان مزیت و پیشران باید در تقویت آنها کوشید. از سوی دیگر، ابعاد منفی رفتاری و استراتژیک دولت‌ها، به‌عنوان مریخ‌پادزنده اعتماد، شناسایی شد. این ابعاد منفی به‌مثابه ایستگاه عمل کرده، اعتماد سیاسی ملت به دولت را کاهش می‌دهد؛ کاستی‌هایی که باید برای اصلاح یا پیشگیری از تولید آنها تلاش کرد</p>	<p>محسنی‌ششتین (۱۳۹۶)</p>

اعتماد سیاسی به مؤلفه‌های مهم در مشارکت سیاسی و سنجش وضعیت حکمرانی یک جامعه و همچنین ساست گذاری درباره آینده اجتماع است. شهر یزد یکی از استان‌های بسیار مهم و حائز اهمیت در رفتارهای سیاسی است و مطالعه وجود اعتماد سیاسی و میزان آن و همچنین بسترهای مؤثر بر آن، امری ضروری و دارای اهمیت است. در این باره در شهر یزد تاکنون مطالعه و بررسی در این باره صورت نگرفته است. مطالعات تجربی پیشین هم ضمن داشتن نتایج جالب درباره اعتماد سیاسی، به صورت جامع، متغیرهایی که با ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه همگن باشند را ارزیابی نکرده‌اند.

مبانی و رویکردهای نظری تحقیق

ساموئل هانتینگتون^۱: به اعتقاد ساموئل هانتینگتون؛ اعتماد سیاسی ارتباط بسیار نزدیکی با کارآمدی حاکمان دارد (خرمشاد، ۱۳۸۵: ۵۳). اعتماد سیاسی از نظر هانتینگتون عبارت است از درجه‌ای از انتظار شهروندان از توانایی و موفقیت حاکمان که متناسب با انتظارات آن‌ها باشد (هرسیچ، ۱۳۸۳: ۲۴۲). مشروعیت نظام عمیقاً تحت تأثیر کارآمدی مسئولان و عملکرد نظام سیاسی است (هانتینگتون، ۲۰۱۲). در صورتی که مسئولان به وعده‌ها و تعهدات خود عمل کنند، موجب تقویت اعتماد سیاسی در بین شهروندان یک نظام سیاسی می‌شوند و در صورتی که عملکرد و کارایی آنان مورد اشکال باشد، نظام سیاسی با بحران مشروعیت مواجه خواهد شد. هانتینگتون مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی را لازم و ملزوم هم دانسته و اعتقاد دارد اقتدار خردمندان، تمایز پذیری ساخت‌ها و گسترش مشارکت سیاسی از مهم‌ترین عوامل فعال و مؤثر در تقویت اعتماد و توسعه سیاسی محسوب می‌شوند. (جعفرآبادی، کفاشی و صدیقی، ۱۳۹۷: ۱۶۵). به اعتقاد وی؛ مشارکت سیاسی بدون نهادمندی ابزار مشارکت و اعتماد سیاسی بدون تحقق مشارکت حداکثری ممکن نخواهد بود (هانتینگتون، ۱۳۹۲). کروزی، هانتینگتون و واتانوکی از جمله محققانی بودند که در اواسط دهه ۱۹۷۰ فرسایش اعتماد سیاسی را مطرح (و در مر و زمزلی، ۲۰۱۷: ۱) و تصریح کردند نارضایتی و عدم اطمینان از عملکرد نهادهای دولت دموکراتیک اکنون در کشورهای اروپای غربی، ایالات متحده و ژاپن گسترده شده است (کروزی و دیگران، ۲۰۱۲: ص ۱۵۸-۱۵۹). و این نگرانی ساموئل هانتینگتون نگرانی بسیاری از محققان از جمله مایلر و اووف (۱۹۷۴) بود که معتقد بودند سیستم سیاسی

دموکراتیک بدون حمایت اکثریت شهروندان برای مدت طولانی زنده نخواهد ماند. به اعتقاد هانتینگتون؛ منشأ اصلی همه این بحران‌ها، کاهش مشارکت سیاسی ناشی از تضعیف اعتماد سیاسی مردم و شهروندان به نظام‌های سیاسی به خاطر ناکارآمدی است.

آلموند و وربا^{۳۲}: آلموند و وربا یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر فرهنگ سیاسی را اعتماد سیاسی می‌دانند (صحرائی، ۱۳۹۱: ۱۲۴). به اعتقاد آلموند و وربا؛ بیگانگی سیاسی، با نگرش‌های عام اعتماد و بی‌اعتمادی اجتماعی مرتبط است و کسانی که به دیگران اعتماد دارند واجد اعتماد سیاسی بیشتری نیز هستند (ذوالفقاری و جعفری‌علی‌آبادی، ۱۳۹۷: ۳۲). آلموند و وربا (۲۰۱۵: ۱۳) رابطه بین اعتماد و کارایی سیاسی (جدول شماره ۴) را معنادار می‌دانند و معتقدند اعتماد سیاسی در نظام سیاسی منشأ و مبنای مشروعیت به حساب می‌آید (زاهدی، خانباشی و رضایی، ۱۳۹۰: ۴۲). به اعتقاد آلموند و وربا؛ تقاضای شهروندان از نظام سیاسی همان ورودی‌های نظام سیاسی است و خروجی‌های آن‌هم همان تصمیمات حکومت و کنش‌ها و عملکرد سازمان‌های اجرایی است (صحرائی، ۱۳۹۱).

جدول ۴) رابطه بین اعتماد و کارایی سیاسی

اعتماد سیاسی / احساس کارایی سیاسی	بالا	پایین
بالا	وفاداری به نظام سیاسی، مشارکت بالا، نظام سیاسی پاسخگو، دموکراتیک و غیراجباری	تعارض با نظام، نظام سیاسی ناپایدار، غیر پاسخگو و غیراجباری
پایین	تبعیت از نظام سیاسی، نظام سیاسی سنتی، غیر پاسخگو ولی غیراجباری	بیگانگی نسبت به نظام، نظام اقتدار طلب، پس اجباری و غیر پاسخگو

منبع: پیچ^{۳۳}؛ ۱۹۷۱: ۸۱۲ به نقل از (صحرائی، ۱۳۹۱: ص ۱۱۳-۱۱۴)

حالت اول: اعتماد سیاسی بالا و احساس کارایی سیاسی بالا: در این مدل فرد یا گروه به نظام سیاسی وفادارند؛ از این‌رو مشارکتشان در مسائل سیاسی بالاست و نظام سیاسی نیز پاسخگوی مطالبات شهروندان است، پس نظامی دموکراتیک و پاسخگو که اجباری نامشروع بر مردم تحمیل نمی‌کند حاکم است.

حالت دوم: اعتماد سیاسی بالا اما احساس کارایی پایین: در این نوع رابطه، نظام سیاسی سنتی است، اما از اجبار برای تحمیل عقاید خود استفاده نمی‌کند و البته نظام سیاسی خود را مسئول و پاسخگوی مطالبات هم نمی‌داند، بالطبع تبعیت از فرامین نظام سیاسی در بین مردم وجود دارد.

حالت سوم: اعتماد سیاسی پایین با احساس کارایی بالا: در این حالت، اعتماد سیاسی شخص یا گروه نسبت به سیستم پایین است، اما احساس می‌کند که می‌تواند در سرنوشت نظام سیاسی خود تأثیرگذار باشد، از این رو با نظام سیاسی تعارض پیدا می‌کند؛ در اینجا نظام سیاسی از نوعی ناپایداری برخوردار است و ریشه‌های این امر در غیر پاسخگو بودن به مطالبات و خواسته‌های شهروندان است، که البته اجباری نیز در اوامر سیاسی نسبت به شهروندان دیده نمی‌شود.

حالت چهارم: اعتماد سیاسی پایین و احساس کارایی پایین: در این نوع از روابط، نظام اقتدار طلب حاکمیت دارد، اجبار حاکمیت در حد بالاست و نسبت به خواسته‌های مردم هم غیر پاسخگوست، ویژگی مردم نیز انزوا و بیگانگی با نظام سیاسی خود است.

آلموند و وربا تأکید دارند فرهنگ مدنی مملو از کفایت سیاسی و اعتماد متقابل شهروندان و بازتابی از وجود جو گسترده اعتماد در جامعه است (آلموند و وربا، ۲۰۱۵: ۲۲۸) و فقدان اعتماد میان شهروندان نشانه‌ای از فرهنگ سیاسی مطیعانه^{۲۴} و مانع اساسی توسعه محسوب می‌شود (امیر ملکی و عظیمی رستا، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

لیپست^{۲۵} لیپست اعتماد را متعلق به سال‌های ۱۹۹۰ می‌داند و می‌گوید در این سال‌ها برای نخستین بار، کاهش اعتماد به نفس در سیاستمداران آمریکایی و نهادهای دولتی ثبت شد. وی اعتماد سیاسی را به رهبران سیاسی محدود می‌کند (ذوالفقاری و جعفری‌علی‌آبادی، ۱۳۹۷: ۳۶) و معتقد است هرگاه مردم تصور کنند که سیاستمداران فقط به فکر منافع خود هستند، اعتماد به دولت کاهش می‌یابد (اصغری و اسدی، ۱۳۹۲: ۵۷). لیپست در تجزیه و تحلیل رفتار سیاسی مردم آمریکا، کانادا، بریتانیا و استرالیا؛ از باورهای مذهبی، جنسیت، سن، نوع شغل، نژاد، روستایی یا شهری بودن افراد، طبقه اجتماعی و پیوندهای منطقه‌ای به‌عنوان

عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت و تقویت اعتماد سیاسی یادکرده است. وی با اشاره به نقش انتظارات و ارزش‌ها در اعتماد سیاسی، نقش عملکرد کلان اقتصادی در این حوزه را مهم دانسته و تأکید می‌کند ارزیابی ذهنی عملکرد کلان اقتصادی به‌طور مداوم و مثبت با اعتماد سیاسی در سطوح خرد و کلان ارتباط دارد (لیپست و اشنايدر، ۱۹۸۳).^{۲۶} به اعتقاد لیپست؛ اعتماد سیاسی مردم به‌نظام‌های سیاسی در طول تاریخ؛ علی‌رغم دوره‌های کوتاه معکوس، همواره روبه‌زوال بوده است (لیپست و اشنايدر، ۱۹۸۷). لیپست کیفیت روابط دولت با شهروندان را در تعیین میزان اعتماد سیاسی مؤثر خوانده (اشنايدر و استائرکل، ۲۰۱۱)^{۲۷} و معتقد است اعتماد به نهادهای سیاسی مانند دولت شرط لازم برای عملکرد سالم حکومت‌های دموکراتیک، افزایش مشارکت و تحقق اعتماد سیاسی است

فرانسیس فوکویاما:^{۲۸} کانون تمرکز وی بر حفظ سرمایه اجتماعی به‌عنوان مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی است و اعضای گروهی که با یکدیگر همکاری و همیاری دارند، در آن سهم هستند. از دید فوکویاما این ارزش‌ها و هنجارها باید شامل سجاییی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد (۲۰۰۰: ۱۰). شبکه اعتماد عبارت است از گروهی که بر اساس اعتماد متقابل به یکدیگر، از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تبادلات فی‌مابین خود استفاده می‌کنند

گیدنز:^{۲۹} اعتماد غیرشخصی به دیگران ناشناس ناشی از ماهیت رشد یابنده نظام‌های انتزاعی هست. وجه عمده اعتماد در دوران مدرنیته، پایداری بی‌چهره‌ای است که در نظام‌های تخصصی معنا پیدا می‌کند (۲۰۱۷: ۷۶۸). پویایی مدرنیته سه سرچشمه مهم الف- جدایی زمان و مکان، ب- تحول مکانیسم‌های از جا کنده‌گی و ج- تخصیص بازاندیشانه دارد (۲۰۱۳: ۳۳). در نهادهای مدرن، وجود کارایی و اثربخشی به همراه تخصص، دانش، علم، یقین، اطمینان، اعتماد اجتماعی را نسبت به نهادهای موجود تقویت می‌کند. در جوامع ماقبل نوین که خصلتی محلی و بومی دارند و کنش‌های متقابل بیشتر در سطح محلی و رودرو رخ می‌دهند، در روابط اجتماعی افراد چنان صراحت و شفافیتی به چشم می‌خورد که نیازی به اعتماد ندارند، زیرا این اعتماد به‌طور طبیعی وجود دارد اما در جوامع بزرگ و گسترده که روابط اجتماعی در فاصله زمانی و مکانی بسیار دوری انجام می‌گیرد و افراد درگیر این روابط کمتر با یکدیگر آشنایی چهره به چهره دارند، به اعتماد از طریق نظام‌های پولی و حقوقی

بسیار نیازمند هستند (۲۰۱۷: ۷۶۷). گیدنز در مباحث خویش بین دو نوع اعتماد تمایز قائل می‌شود: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی. اعتماد انتزاعی دربرگیرنده آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است. لذا درحالی‌که کنشگر می‌تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند، می‌تواند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم‌یافته نیز دارای ایده‌ها و باورهایی باشد. افراد همچنین می‌توانند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. از این فرآیند می‌توان تحت عنوان سطح نهادی اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده اعتماد به نظام‌های تخصصی می‌نامد؛ یعنی ممکن است کنشگر از فردی که اتومبیل یا خانه او را ساخته، شناختی نداشته باشد ولی نسبت به نظام استاندارد، تنظیم قواعد و قوانین، نظارت و کنترل کیفیت، دارای میزانی از اعتماد باشد (شارع پور محمود، ۱۳۸۰: ۱۰۴). گیدنز همچنین برای نشان دادن نقطه مقابل اعتماد از مفهوم و اصطلاح بی‌اعتمادی استفاده می‌کند که شامل اعتماد نسبت به اشخاص و نظام‌های انتزاعی است. حسن نهادی مدرن جامعه، نظارت مدنی است که عامل توسعه اعتماد از سطح فرد به نهادهای ملی شده است.

پاتنام^{۳۰}: پاتنام (۱۹۹۳) اعتماد سیاسی را ناشی از دو منبع مرتبط، یعنی هنجارهای همیاری و شبکه‌های مشارکت مدنی می‌داند: «هنجارهای همیاری و شبکه‌های مشارکت مدنی باعث افزایش اعتماد و همکاری‌های اجتماعی می‌شود؛ چراکه انگیزه‌های عهدشکنی و نیز جو ابهام‌آمیز و غیر شفاف را کاهش می‌دهند» (۱۹۹۳). این مشارکت و اعتماد مبتنی بر عنصر استقلال در جامعه است. حفظ استقلال، زمینه‌ساز اعتماد است. لذا پاتنام مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و مدنی را از سازوکارهای تبدیل اعتماد شخصی یا خاص به اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته معرفی می‌کند. از طرف دیگر، پاتنام وجود اعتماد سیاسی در جامعه را موجب تقویت هنجارهای همیاری و فعالیت‌های مدنی و سیاسی می‌داند (۲۰۰۱، ص ۱۵۷). به‌زعم وی، وضعیت محرومیت کنشگران، پایگاه اقتصادی و طبقه‌ای آنها، نگرش نسبت به نظام سیاسی و نوع و سطح دین‌داری، مؤلفه‌های مهم در سنجش اعتماد سیاسی شهروندان است.

۳- چارچوب نظری پژوهش

جدول (۱) منبع نظری و تجربی مفاهیم مدل پژوهش

ردیف	شاخص	منبع نظری-تجربی
۱	تعلق مذهبی	پاتنام (۱۹۹۳)، پناهی و شایگان (۱۳۸۶)، جهانگیری و ابوترابی زارچی (۱۳۹۱)، دانش فرد و ادیب زاده (۱۳۹۵)
۲	انسجام سیاسی-اجتماعی	کلمن (۱۹۹۴)، فوکویاما (۲۰۰۰)
۳	هویت ملی	کلمن (۱۹۹۴)
۴	محرومیت نسبی	پاتنام (۲۰۰۱)، پناهی و شایگان (۱۳۸۶)
۵	مصرف رسانه‌های جمعی	روتستین و همکاران (۲۰۰۲)، جهانگیری و ابوترابی زارچی (۱۳۹۱)، کلمن (۱۹۹۴)
۶	احساس عدالت اجتماعی	فوکویاما (۲۰۰۰)
۷	قانون‌گرایی	پاتنام (۱۹۹۳)، فوکویاما (۲۰۰۰)
۸	اعتماد سیاسی	پناهی و شایگان (۱۳۸۶)، سرایی و صغیری (۱۳۸۸)، جهانگیری و ابوترابی زارچی (۱۳۹۱)، دانش فرد ادیب زاده (۱۳۹۵)

۴- مدل نظری پژوهش



نمودار (۱) مدل نظری پژوهش

۵- فرضیه‌های پژوهش

جدول (۲) فرضیه‌های پژوهش

ردیف	فرضیه اصلی
۱	بین تعلق مذهبی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۲	بین انسجام سیاسی-اجتماعی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۳	بین هویت ملی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۴	بین محرومیت نسبی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۵	بین مصرف رسانه‌های جمعی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۶	بین احساس عدالت اجتماعی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۷	بین قانون‌گرایی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۶- روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش «پیمایشی»^{۳۱} است. این پژوهش مربوط به سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۸ است. مهم‌ترین ویژگی این روش، امکان تعمیم نتایج به‌دست‌آمده از یک نمونه به جامعه آماری است. جمعیت آماری^{۳۲} در این پژوهش کلیه مردم شهرستان یزد (اعم از شهری و روستایی) برابر با ۵۸۲۶۸۲ نفر هستند که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه^{۳۳} ۳۸۴ نفر محاسبه گردید. واحد تحلیل در این پژوهش فرد است. با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه موردنظر تکمیل گردیده است. ابزار اندازه‌گیری متغیرها و گردآوری اطلاعات این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است که در آن مجموعه‌ای از گویه‌ها به شکل طیف لیکرت^{۳۴} به پاسخ‌گویان ارائه شد. مفهوم اعتبار^{۳۵} پاسخ به این سؤال است که تا چه اندازه ابزار اندازه‌گیری خصیصه موردنظر را می‌سنجد. اعتبار پرسشنامه تحقیق، از نوع صوری است. منظور از اعتبار صوری، میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است. در این پژوهش، پرسشنامه از بخش نظری استخراج و همچنین از نظرات صاحب‌نظران علوم اجتماعی در تهیه گویه و شاخص‌ها استفاده شد. برای بررسی قابلیت اعتماد ابزار سنجش (طیف‌ها) مورد استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بالای (۰,۷) استفاده گردید.

جدول (۳) ضریب پایایی شاخص‌های پژوهش

ردیف	شاخص	ضریب آلفای کرونباخ
۱	تعلق مذهبی	۰,۷۳
۲	انسجام سیاسی-اجتماعی	۰,۷۲
۳	هویت ملی	۰,۷۵
۴	محرومیت نسبی	۰,۷۰
۵	مصرف رسانه‌های جمعی	۰,۷۱
۶	احساس عدالت اجتماعی	۰,۷۴
۷	قانون‌گرایی	۰,۷۲
۸	اعتماد سیاسی	۰,۷۰

۷- یافته‌های تحقیق

-نتایج حاصل از یافته‌ها نشان می‌دهد که از تعداد ۳۸۴ نفر ۵۷/۸ درصد (۲۲۲ نفر) مرد و ۴۲/۲ درصد (۱۶۲ نفر) زن، محل سکونت تعداد ۴۷/۹ درصد (۱۸۴ نفر) در روستا و ۵۲/۱ درصد (۲۰۰ نفر) شهر است. ۲۸/۱ درصد (۱۰۸) نفر بیکار، ۲۶ درصد (۱۰۰) نفر کشاورز و دامدار، ۲۲/۱ درصد (۸۵) نفر کارمند و ۲۳/۷ درصد (۹۱) نفر در دیگر زمینه‌ها مشغول به کار هستند. از مجموع ۳۸۴ نفر ۲۱/۹ درصد (۸۴) نفر دارای تحصیلاتی زیر دیپلم، ۲۲/۷ (۸۷) نفر دارای مدرک دیپلم، ۴۴ درصد (۱۶۹) نفر دارای مدرک کاردانی یا کارشناسی، ۱۰/۲ درصد (۳۹) نفر دارای تحصیلات عالی هستند.

-توزیع پراکندگی پژوهش

جدول (۴) توزیع پراکندگی (درصد فراوانی) شاخص اصلی پژوهش

درصد فراوانی			متغیر
پایین	متوسط	بالا	
۰,۳۷	۰,۳۴	۰,۲۹	تعلق مذهبی
۰,۳۰	۰,۳۹	۰,۳۱	انسجام سیاسی-اجتماعی
۰,۵۸	۰,۱۸	۰,۲۴	هویت ملی
۰,۳۸	۰,۲۷	۰,۳۵	محرومیت نسبی
۰,۵۴	۰,۲۶	۰,۲۰	مصرف رسانه‌های جمعی
۰,۴۷	۰,۱۹	۰,۳۴	احساس عدالت اجتماعی
۰,۴۹	۰,۲۷	۰,۲۴	قانون‌گرایی
۰,۲۶	۰,۳۹	۰,۳۵	اعتماد سیاسی

میزان اعتماد سیاسی



نمودار (۲) میزان اعتماد سیاسی شهروندان

آزمون ضریب همبستگی

جدول (۵) آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر مستقل	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	نتیجه فرضیه
تعلق مذهبی	۰/۳۱۶	۰/۰۰۵	تائید
انسجام سیاسی-اجتماعی	۰/۲۲۴	۰/۰۰۰	تائید
هویت ملی	۰/۳۳۸	۰/۰۰۱	تائید
محرومیت نسبی	-۰/۴۲۱	۰/۰۰۰	تائید
مصرف رسانه‌های جمعی	۰/۱۸۹	۰/۰۰۲	تائید
احساس عدالت اجتماعی	۰/۲۷۴	۰/۰۰۳	تائید
قانون‌گرایی	۰/۴۲۱	۰/۰۰۰	تائید

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد:

- بین تعلق مذهبی و اعتماد سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰,۳۱۶ است. هرچه تعلق مذهبی شهروندان افزایش یابد، سطح اعتماد سیاسی نیز افزایش خواهد یافت و برعکس.

- بین انسجام سیاسی-اجتماعی و اعتماد سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰,۲۲۴ است. هرچه انسجام اجتماعی شهروندان افزایش یابد، سطح اعتماد سیاسی نیز افزایش خواهد یافت و برعکس.

- بین هویت ملی و اعتماد سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰,۳۳۸ است. هرچه هویت ملی شهروندان افزایش یابد، سطح اعتماد سیاسی نیز افزایش خواهد یافت و برعکس.

- بین محرومیت نسبی و اعتماد سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی داری کمتر از ۵ صدم برابر با -۰,۴۲۱ است. هرچه محرومیت‌های مردم افزایش یابد، سطح اعتماد سیاسی نیز کاهش خواهد یافت و برعکس.

- بین مصرف رسانه‌های جمعی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰,۱۲۹ است. هرچه فعالیت‌های رسانه‌ای شهروندان افزایش یابد، سطح اعتماد سیاسی نیز افزایش خواهد یافت و برعکس.

- بین احساس عدالت اجتماعی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰,۲۷۴ است. هرچه عدالت اجتماعی افزایش یابد، سطح اعتماد سیاسی نیز افزایش خواهد یافت و برعکس.

- بین احساس قانون‌گرایی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰,۴۲۱ است. هرچه قانون‌مداری و قانون‌گرایی در بین شهروندان افزایش یابد، سطح اعتماد سیاسی نیز افزایش خواهد یافت و برعکس.

رگرسیون چندگانه پژوهش

جدول (۶) گزارش رگرسیون چند متغیره پژوهش

نتیجه	Sig.	t	Beta	B	Variable
تأیید تأثیر متغیر	۰/۰۲۰	۳/۶۷۸	۰/۲۱۹	۰/۲۴۵	تعلق مذهبی
تأیید تأثیر متغیر	۰/۰۰۱	۶/۵۲۴	۰/۳۰۳	۰/۳۴۱	انسجام سیاسی-اجتماعی
تأیید تأثیر متغیر	۰/۰۰۲	۳/۰۸۸	۰/۴۵۰	۰/۴۶۲	هویت ملی
تأیید تأثیر متغیر	۰/۰۰۰	۴/۶۷۴	-۰/۳۶۱	۰/۳۸۶	محرومیت نسبی
تأیید تأثیر متغیر	۰/۰۰۰	۵/۷۶۱	۰/۳۹۷	۰/۵۷۱	مصرف رسانه‌های جمعی
تأیید تأثیر متغیر	۰/۰۰۱	۴/۳۴۵	۰/۳۷۲	۰/۴۵۶	احساس عدالت اجتماعی
تأیید تأثیر متغیر	۰/۰۰۳	۳/۷۰۳	۰/۲۴۵	۰/۳۷۴	قانون‌گرایی

نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که مقداری بتای تعلق مذهبی (۰/۲۱۹)، انسجام سیاسی-اجتماعی (۰/۳۰۳)، هویت ملی (۰/۴۶۲)، محرومیت نسبی (۰/۳۸۶)، مصرف رسانه‌های جمعی (۰/۳۹۷)، احساس عدالت اجتماعی (۰/۳۷۲) و قانون‌گرایی (۰/۲۴۵) است. از بین متغیرهای مستقل هویت ملی با ضریب ۰,۴۵۰ بیشترین تأثیر و متغیر قانون‌گرایی با ضریب ۰,۲۴۵ کمترین تأثیر را بر اعتماد سیاسی شهروندان داشته‌اند.

جدول (۷) شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی

ضریب تعیین	ضریب تعیین تصحیح‌شده	ضریب همبستگی چندگانه	سطح معناداری
۰/۴۶۵	۰/۴۵۱	۰/۳۸۷	۰/۰۰۴

همان‌گونه در جدول فوق ملاحظه می‌شود، ضریب تعیین برابر با ۰,۴۵۱ است و این مطلب را بیان می‌کند که مجموع متغیرهای مستقل در مدل توانستند ۴۵ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین و پیش‌بینی نمایند.

مدل نهایی پژوهش



شکل (۳) ضرایب مسیر نهایی مدل پژوهش

نتیجه‌گیری

اعتماد سیاسی شهروندان به نظام های سیاسی، دولت، نهادهای سیاسی و حکمرانان موجب افزایش مشارکت سیاسی و افزایش مشارکت سیاسی شهروندان در حوزه‌های متفاوت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... نشان از توسعه‌یافتگی سیاسی، استقلال، انعطاف‌پذیری و یگانگی و یکپارچگی ملی است (سبکتگین‌ریزی، روهنده، بساطیان و جعفری، ۱۳۹۵: ۱۰۳). اعتماد سیاسی شهروندان به نظام های سیاسی، دولت، نهادهای سیاسی و حکمرانان می‌تواند از طریق تحرک اجتماعی و جنبش‌های سازمانی به افزایش مشارکت شهروندان منجر شود. اعتماد سیاسی از طریق تحرک اجتماعی و کسب منزلت بالاتر اجتماعی، توانایی‌های افراد را تقویت و نگرش آنان را در خصوص اثرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مساعد می‌کند. علاوه بر این؛ اعتماد سیاسی از طریق سازمانی با کمک عضویت در گروه‌ها و سازمان‌ها؛ زمینه مشارکت افراد در فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را فراهم می‌سازد (حسین‌زاده و فدائی‌ده‌چشمه، ۱۳۹۱: ص ۶۶-۶۷).

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که: وضعیت اعتماد سیاسی در بین شهروندان نسبتاً در حد مناسبی است. این متغیر در سطح بالا برابر با ۳۵ درصد، متوسط ۳۹ درصد و در سطح پایین ۲۶ درصد است. بر این اساس وضعیت اعتماد سیاسی شهروندان یزدی در حد مناسب است.

- بین تعلق مذهبی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰,۳۱۶ است. هرچه میزان باورهای دینی، حضور در مناسک جمعی افزایش یابد، به همان میزان اعتماد سیاسی مردم نیز تقویت می‌شود. این متغیر به‌تنهایی توانسته ۰,۲۱۹ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین و پیش‌بینی نماید که همسو با نتایج پژوهش دانش فرد و ادیب زاده (۱۳۹۵)، -جهانگیری و ابوترابی زارچی (۱۳۹۱) و پناهی و شایگان (۱۳۸۶)، است.

- بین انسجام سیاسی - اجتماعی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰,۲۲۴ است. سرمایه اجتماعی (انسجام سیاسی - اجتماعی)، با حفظ روابط بین افراد در سطح اجتماع و

پیوند بین نخبگان و مردم، بسترهای اعتماد افزایشی در امر سیاست و مشارکت انتخاباتی را ممکن می‌سازد. این متغیر به‌تنهایی توانسته ۰,۳۰۳ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین و پیش‌بینی نماید که با مطالعات جهانگیری و ابوترابی زارچی (۱۳۹۱) همسو است.

- بین هویت ملی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰,۳۳۸ است. هویت امری جمعی، تاریخی و حلقه اتصال جمعی افراد به ساختار نظام سیاسی است، هرچه شکاف هویتی در بعد ملی کمتر باشد، به همان میزان احساس همگرایی بالا رفته و در مشارکت سیاسی خود را بازنمایی می‌کند، این امر منوط به داشتن اعتماد سیاسی به‌نظام است که از هویت ملی تجلی می‌یابد. این متغیر به‌تنهایی توانسته ۰,۴۵۰ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین و پیش‌بینی نماید و با یافته‌های پژوهشی جهانگیری و ابوترابی زارچی (۱۳۹۱) همخوان باشد.

- بین محرومیت نسبی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰,۴۲۱- است. وجود محرومیت نسبی در جامعه یکی از موانع مهم و اصلی اعتماد سیاسی است. مقایسه افراد با یکدیگر و با وضعیت کلی جامعه و احساس ناکامی و محرومیت نسبی، می‌تواند زمینه‌های اعتماد سیاسی را در بین شهروندان کاهش دهد. این متغیر به‌تنهایی توانسته ۰,۳۶۱- درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین و پیش‌بینی نماید و با یافته‌های پژوهشی جهانگیری و ابوترابی زارچی (۱۳۹۱) سازگار شود.

- بین مصرف رسانه‌های جمعی و اعتماد سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰,۱۲۹ است. دنیای امروز به دست رسانه‌های اجتماعی مدیریت می‌شود. در این میان مدیریت افکار عمومی در عرصه سیاسی با حفظ حقوق شهروندی، ترمیم اعتماد رسانه‌ای، در افزایش اعتماد سیاسی اثرگذار است. هرچه شهروندان یک جامعه همبستگی بالایی با رسانه‌های جمعی خود داشته باشند، به همان میزان، در اعتماد سیاسی نسبت به‌نظام از آن تأثیر خواهند پذیرفت. این متغیر به‌تنهایی توانسته ۰,۳۹۷ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین و پیش‌بینی نماید که همسان با یافته‌های پژوهشی جهانگیری و ابوترابی زارچی (۱۳۹۱) است.

- بین احساس عدالت اجتماعی و اعتماد سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰,۲۷۴ است. عدالت اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی جامعه و بهبود پایگاه اقتصادی-اجتماعی مردم، در مشارکت سیاسی شهروندان تحولات مثبتی را رقم می‌زند، به این معنی که با کاهش حس تبعیض اجتماعی و احساس عدالت اجتماعی، مردم پیوند خود را نظام سیاسی افزایش می‌دهند و با داشتن پنداشت منفی در این زمینه، نوعی بی‌اعتمادی سیاسی در جامعه رواج می‌یابد. این متغیر به‌تنهایی توانسته ۰,۳۷۲ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین و پیش‌بینی نماید.

- بین احساس قانون‌گرایی و اعتماد سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر در سطح معنی داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰,۴۲۱ است. قانون‌گرایی مسئولان یکی از عوامل افزایش اعتماد سیاسی مردم است. هرچه میزان پابندی مسئولان اجرایی و مدیران جامعه به قانون بیشتر باشد، به همان میزان اعتماد سیاسی مردم نیز بیشتر خواهد شد. این متغیر به‌تنهایی توانسته ۰,۲۴۵ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین و پیش‌بینی نماید.

بر این اساس تمام روابط سیاسی، مشارکت سیاسی و همگرایی با نظام سیاسی بر اساس نوعی وفاداری دوجانبه شکل می‌گیرد که در اعتماد سیاسی متجلی می‌شود. اعتماد سیاسی، پیش‌شرط اصلی کارایی، انسجام و ثبات اجتماعی نهادهای اجتماعی است و در برابر آن ضد اعتماد منجر به بروز ترس، ناامنی، اغتشاش و فروپاشی اجتماعی خواهد شد و شهروندان را در تقابل ذاتی و کارکردی با نهادهای سیاسی قرار می‌دهد. با توجه به نتایج فوق، اعتماد به‌مثابه قلب نظام سیاسی عمل می‌کند و آنتی‌تز، جریان ضد نظم یعنی فساد، رشوه، ناکارآمدی و عدم پاسخگویی نهادها است. نبض نهادها با اعتماد سیاسی، به نحو مطلوب در بدنه جامعه می‌تپد. پس اعتماد، حکم یک گرداننده نهاد است و زوال آن انسجام اجتماعی را از میان می‌برد. اعتماد به داشتن رابطه حسنه، صادقانه و رابطه متقابل منطقی و به‌دوراز ابهام اطلاق می‌شود که اهداف و برنامه‌های نهاد اجتماعی را تنظیم می‌نماید. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پارادایم حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی یا اعتماد به نهادهای کشور است. در جامعه‌ای که مردم به نهادها اعتماد نداشته باشند، بی‌سازمانی اجتماعی، فساد و اختلال در سیاست‌های اجتماعی

شکل می‌گیرد. یافته‌های فوق نشان می‌دهد که میزان بالای اعتماد به نهادها، برابر با افزایش همکاری خودآگاهانه به شکل تبادل اطلاعاتی مستقیم و همیاری متقابل، منجر به نهادینه شدن قانون، شفافیت، پاسخگویی، رواج صداقت و شکل‌گیری گفت‌وگو عادلانه خواهد شد و میزان کارایی نظام سیاسی را افزایش می‌دهد. اعتماد سیاسی از نگاه گیدنز نوعی از اعتماد نهادی است و در قالب اعتماد به نظام‌های تخصصی قرار می‌گیرد. بر این اساس می‌توان پیشنهادها را کاربردی زیر را داد:

- تقویت اعتماد سیاسی شهروندان نسبت به نهادهای سیاسی و غیرسیاسی با کمک رسانه‌های گروهی به‌ویژه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و صداوسیما محلی - مرکز استان‌ها
- ارتقای سرمایه اجتماعی با کمک رسانه‌های گروهی ملی و محلی از طریق تقویت مشارکت اجتماعی احزاب، نهادها و مردم در امور ملی
- تقویت همگرایی بین گروه‌های اجتماعی با نظام سیاسی با تشریح عملکرد و کارآمدی نظام برای گروه‌های مختلف اجتماعی از طریق رسانه‌های گروهی
- افزایش و گسترش تبلیغات رسانه‌ای برای کاهش محرومیت نسبی شهروندان و تقویت بینه‌های عدالت اجتماعی
- انعکاس دیدگاه‌های مردمی از طریق سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و سایر رسانه‌های جمعی در خصوص امور جاری اجتماعی در سطح رسانه‌ای و اجرایی
- استفاده از ظرفیت‌های مدنی و رسانه‌ای در شناسایی نقاط آسیب‌پذیر اعتمادی
- اجرای نظرسنجی‌های رسمی و غیررسمی از مردم نسبت به عدالت اجتماعی و راهکارهای کاهش بی‌عدالتی اجتماعی از طریق مراکز تحقیقاتی - اجتماعی کشور به‌ویژه مراکز علمی - رسمی تحقیقاتی نظیر مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران
- تشکیل نهادهای اجتماعی در راستای افزایش پاسخگویی، شفافیت و حکمرانی خوب به شهروندان

1. Koehn
2. Ellison
3. Firestone
4. Fukuyama
5. Almond&Verba
6. Max Weber
7. Sztompka
8. Bretzer
9. Rothstein
10. Pepin sky
11. Geurkink
12. Macdonald
13. You
14. Wang
15. Citrin
16. Stoker
17. Zmerli
18. Meer
19. Nunkoo
20. Gursoy
21. Samuel P. Huntington
22. Almon vs Verba
23. Paige
24. Subordinate Political Culture
25. Lipset
26. Schneider
27. Staerkel
28. Fukuyama
29. Giddens
30. Putnam
31. Survey
32. Population
33. Sample
34. Likert scale
35. Validity



کتاب‌نامه

۱. ابراهیمی، قربانعلی؛ بابازاده‌بانی، علی؛ و ابراهیمی‌گتایی، حسین. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی: (مطالعه دانشجویان عضو تشکل‌های انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی دانشگاه‌های مازندران و صنعتی نوشیروانی بابل). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی جوانان، ۴ (۲)، ۶۳-۸۲.
۲. احمدی، حمید. (۱۳۸۲). هویت ملی ایرانی: بنیادها، چالش‌ها و بایسته‌ها. مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۱۴ (۷)، ۵-۵۲.
۳. اصغری، حرمت؛ و اسدی، اسماعیل. (۱۳۹۲). تأثیر پاسخگویی بر اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی (مورد مطالعه: سازمان‌های دولتی ایران). خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، ۹-۱۰ (۴)، ۵۳-۷۶.
۴. اصغری‌نیاری، یعقوب؛ و محموداوغلی، رضا. (۱۳۹۷). احساس محرومیت نسبی در میان قوم بلوچ و تأثیر آن بر خشونت سیاسی. پژوهش سیاست‌نظری، ۲۳ (۱۴)، ۳۰۵-۳۳۶.
۵. اکبری، عابد؛ و اشرافی، مجتبی. (۱۳۹۷). تبیین و تعریف علل اجتماعی بی‌ثباتی سیاسی با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی. پژوهش‌نامه تاریخ، سیاست و رسانه، ۴ (۱)، ۵۷۱-۵۹۶.
۶. الوانی، سید مهدی؛ و شیروانی، علیرضا. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها). تهران: مانی.
۷. امام‌جمعه زاده، سید جواد؛ و محموداوغلی، رضا. (۱۳۹۰). رسانه و برسازی هویت اجتماعی پسامدرن. پژوهش‌های ارتباطی، ۶۷ (۱۸)، ۱۱۹-۱۴۶.
۸. امام‌جمعه زاده، سید جواد؛ صادقی‌نقدعلی، زهرا؛ محموداوغلی، رضا؛ و رهبر قاضی، محمود رضا. (۱۳۹۳). تحلیل رابطه بین مصرف رسانه‌ای و میزان اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۵۴ (۲۵)، ۱۵-۳۲.
۹. امیرپور، مهناز؛ و بهزادفر، مهسا. (۱۳۹۱). نقش رسانه‌ها در ایجاد اعتماد اجتماعی در بین گروه‌های قومی خراسان شمالی. پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۲۳ (۶)، ۱۲۹-۱۴۶.
۱۰. امیری، ابوالفضل؛ و نفاوی، حمید. (۱۳۹۵). عملیات روانی و تأثیر آن بر اغتشاشات شهری. مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری، ۲۷ (۰)، ۵۱-۸۲.
۱۱. بخارایی، احمد؛ صالحی، صادق؛ و معصومی‌جهتلو، مریم. (۱۳۹۴). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و رفتارهای زیست‌محیطی در بین جوانان شاغل در عسلویه (پارس جنوبی). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی جوانان، ۲۰ (۶)، ۳۳-۵۶.
۱۲. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور. (۱۳۸۸). آمار انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۸۸).
۱۳. پناهی، محمدحسین؛ و شایگان، فریبا. (۲۰۰۷). اثر میزان دین‌داری بر اعتماد سیاسی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۴ (۳۷)، ۷۳-۱۰۸.

۱۴. -----، -----؛ و -----، ----- (۱۳۸۶). اعتماد سیاسی، دین‌داری، اعتماد بنیادی، دولت رفاه، نقاط تماس. علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۴ (۳۷)، ۷۳-۱۰۸.
۱۵. جعفرآبادی، ابوطالب؛ کفاشی، مجید؛ و صدیقی، بهرنگ. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: مردم شهر گرگان ۱۳۹۵). مطالعات سیاسی، ۳۹ (۱۰)، ۱۵۹-۱۸۶.
۱۶. جهانگیری، جهانگیر؛ و ابوترابی‌زارچی، فاطمه. (۱۳۹۱). تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان (پیمایش در میان دانشجویان دانشگاه شیراز). دانش سیاسی، ۱۶ (۸)، ۵-۲۶.
۱۷. چلبی، مسعود. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نظم (ویرایش ۸). تهران: نی.
۱۸. حسین زاده، علی حسین؛ و فدائی ده چشمه، حمید. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهرکرد). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۵ (۲)، ۵۹-۸۲.
۱۹. حسینی، حسین. (۱۳۷۵). بحران‌های شهری و تئوری محرومیت نسبی. سیاست دفاعی، ۱۵-۱۶ (۰)، ۱۰۳-۱۴۵.
۲۰. حکیمیان، هادی. (۱۳۸۸). دولت قوام و انتخابات دوره پانزدهم یزد. پیام بهارستان، ۸۴ (۳۰۱-۳۱۲).
۲۱. حیدری، شقایق. (۱۳۹۶). سنجش هویت جمعی ایرانیان؛ با تأکید بر مؤلفه دین‌داری. مطالعات ملی، ۷۰ (۱۸)، ۳-۲۴.
۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران-استان یزد. (۱۳۹۸). ۱۱ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از نگاه آمار در یزد.
۲۳. خرمشاد، محمدباقر. (۱۳۸۵). مردم‌سالاری دینی: ماهیت، ابعاد و مسائل مردم‌سالاری دینی (ویرایش ۳، ج ۱-۳). تهران: اداره برنامه‌ریزی عمومی، معاونت فرهنگی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معارف.
۲۴. خواجه سروی، غلامرضا؛ و فرهادی، عباس. (۱۳۹۷). مؤلفه‌های اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۱ (۱)، ۵۳-۸۰.
۲۵. دادور خانی، فضیله؛ ملکان، احمد؛ عزمی، آئیژ؛ و احمدی، راشد. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقای توسعه روستایی (نمونه موردی: دهستان گودین، شهرستان کنگاور). برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، ۱۰ (۳)، ۱۲۵-۱۴۴.
۲۶. دانش فرد، کرم اله؛ و ادیب زاده، مریم. (۱۳۹۵). اعتماد سیاسی: دیدگاه تطبیقی بین کشورهای اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران. راهبرد، ۷۹ (۲۵)، ۱۱۷-۱۳۶.
۲۷. درانی، کمال؛ و رشیدی، زهرا. (۱۳۸۷). بررسی تعاریف، مفاهیم و چگونگی ایجاد سرمایه اجتماعی (با تأکید بر اعتماد اجتماعی). مهندسی فرهنگی، ۱۷-۱۸ (۲)، ۸-۱۹.

۲۸. ذوالفقاری، اکبر؛ و جعفری علی‌آبادی، عاطفه. (۱۳۹۷). تبیین اعتماد سیاسی ایرانیان به‌مثابه سرمایه سیاسی (فرا تحلیل پژوهش‌های موجود). فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، (۳)، ۳۱-۶۵.
۲۹. ربانی، علی؛ ربانی، رسول؛ و حسنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). رابطه احساس محرومیت نسبی با گرایش به هویت ملی مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۴۲ (۲۲)، ۶۷-۹۴.
۳۰. رجب‌زاده، احمد؛ و طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی (مطالعه‌ای بین‌کشوری). زبان و ادبیات فارسی، ۵۶-۵۷ (۱۵)، ۵۳-۱۰۰.
۳۱. رجب‌لو، موسی. (۱۳۸۵). بررسی میزان اعتماد اجتماعی برحسب پایگاه اجتماعی. اقتصادی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی-تهران شمال، تهران.
۳۲. رستگار خالد، امیر؛ سلمانی بیدگلی، مسعود؛ و پاکیده‌دلشاد، هادی. (۱۳۹۵). رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و هویت ملی در شهرهای کرمانشاه و جوانرود. مطالعات ملی، ۶۵ (۱۷)، ۱۳۳-۱۴۴.
۳۳. زاهدی، شمس‌السادات؛ خانباشی، محمد؛ و رضایی، الهام. (۱۳۹۰). افزایش اعتماد عمومی بر پایه ارتقای فرهنگ پاسخ‌گویی. پژوهشنامه‌ی مدیریت اجرایی، ۴۱ (۳)، ۶۹-۹۴.
۳۴. زومکا، پیوتر. (۱۳۹۱). اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی. (غلامرضا غفاری، مترجم) (ویرایش ۳). تهران: شیرازه کتاب.
۳۵. زین‌آبادی، مرتضی. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه‌های بازسازی آن. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۳۶. سبکتگین ریزی، قربانعلی؛ روهنده، مجید؛ بساطیان، سید محمد؛ و جعفری، احمد. (۱۳۹۵). رضایتمندی و مشارکت سیاسی-اجتماعی مطالعه موردی: شهروندان شهر کرج. جامعه‌شناسی کاربردی، ۶۳ (۲۷)، ۹۷-۱۱۶.
۳۷. سرایی، حسن؛ و صفیری، نسرین. (۱۳۸۸). بررسی اعتماد سیاسی دانشجویان: مطالعه دانشجویان دانشگاه امیرکبیر. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۴ (۰)، ۷۱-۹۶.
۳۸. سردار نیا، خلیل‌اله؛ قدرتی، حسین؛ و اسلام، علیرضا. (۱۳۸۸). تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی؛ شهرهای مشهد و سبزوار. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۷ (۵)، ۱۳۵-۱۶۶.
۳۹. سید امامی، کاووس؛ و قادری، علی. (۱۳۹۵). تغییرات نگرشی نسل سوم انقلاب در زمینه اعتماد سیاسی در دهه ۱۳۸۰. رهیافت انقلاب اسلامی، ۳۵ (۱۰)، ۳-۲۶.
۴۰. شارع پور محمود. (۱۳۸۰). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. نامه انجمن جامعه‌شناسی، ۱ (۱).
۴۱. شایگان، فریبا. (۱۳۸۷). بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی. دانش سیاسی، ۷ (۴)، ۱۵۳-۱۸۰.

۴۲. -----، ---- (۱۳۹۴). شاخص‌های اعتماد سیاسی از دیدگاه حضرت علی. اسلام و علوم اجتماعی، ۱۴ (۷)، ۱۱۵-۱۳۸.
۴۳. شیخ‌وندی، داوود. (۱۳۷۹). تکوین و تنفیذ هویت ایرانی (ویرایش ۱). تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۴۴. شیر خدایی، میثم؛ شاهی، محبوبه؛ نجات، سهیل؛ و محمودی نسب، سحر. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری اعتماد و وفاداری به برند در جامعه برند (مطالعه موردی: شبکه اجتماعی اینستاگرام). تحقیقات بازاریابی نوین، ۲۶ (۷)، ۱۰۶-۱۲۴.
۴۵. صحرایی، علیرضا. (۱۳۹۱). شکاف نظری و رفتاری در فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران و عوامل مؤثر بر آن. علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)، ۲۰ (۹)، ۱۰۳-۱۳۴.
۴۶. عابدینی‌بین‌کلان، فرهاد؛ و محمد پور، سارا. (۱۳۹۷). بررسی نقش شبکه ماهواره‌ای جم بر فرهنگ جوانان. پژوهش اجتماعی، ۴۱ (۱۱)، ۷۰-۸۵.
۴۷. عبداللهی، محمد. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی بحران هویت: مبانی عینی و ذهنی هویت جمعی در ایران و تأثیر آن بر دینامیسم مبادله فرهنگی ایران با جهان. نامه پژوهش؛ فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۱ (۳ و ۳)، ۱۶۱-۱۲۵.
۴۸. عبدالملکی، احمد. (۱۳۸۷). بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن و چگونگی نقش رسانه در افزایش آن. پژوهش‌های ارتباطی، ۵۳ (۱۵)، ۹۵-۱۲۸.
۴۹. عشایری، طاها؛ ذوالفقاری، اکبر؛ نامیان، فاطمه؛ و حسین زاده، الهام. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی هویت ملی ایرانیان. مطالعات میان فرهنگی، ۳۷ (۱۳)، ۳۷-۶۷.
۵۰. غفاری نسب، اسفندیار؛ مساوات، سید ابراهیم؛ قاسمی نژاد، محمدعلی؛ و علایی، احمد. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر هویت ملی مطالعه موردی: شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اقلید. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۴ (۴)، ۹-۳۵.
۵۱. فرهمند، مهناز؛ سعیدی‌مدنی، سید محسن؛ و سهندی خلیفه‌کندی، مهناز. (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی انسجام اجتماعی بین دو قومیت آذری و کرد (مورد مطالعه: شهرهای سنندج و تبریز). بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۷ (۶)، ۹۵-۱۲۲.
۵۲. قاسمی، محمدعلی. (۱۳۸۴). اعتماد و نظم اجتماعی. مطالعات راهبردی، ۲۷ (۸)، ۲۹-۴۸.
۵۳. قاضی‌زاده، حمید؛ و احسانی، سمیه. (۱۳۹۷). واکاوی رابطه بین انسجام، اعتماد و باورهای اجتماعی با میزان استفاده نوجوانان از کتابخانه‌ها. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۲۲ (۷)، ۱۰۱-۱۱۴.
۵۴. قوام عبدالعلی. (۱۳۷۱). بی‌اعتمادی و نظام‌های سیاسی. جامعه سالم، ۲ (۶).
۵۵. کتابی، محمود؛ ادیبی‌سده، مهدی؛ قاسمی، وحید؛ و صادقی ده چشمه، ستار. (۱۳۸۹). سنجش اعتماد

- اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهارمحال و بختیاری. جامعه‌شناسی کاربردی، ۴۰ (۲۱)، ۹۷-۱۲۲.
۵۶. کربلایی اصل، حسین. (۱۳۹۴). شاخص‌های انسجام در تفکر سیاسی اسلام. فرهنگ پژوهش، ۲۴ (۸)، ۳۰-۵.
۵۷. محسنی مشتقین، علی. (۱۳۹۶). مفصل‌بندی اعتماد سیاسی در اندیشه امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۱۹ (۷۷)، ۶۵-۹۲.
۵۸. محمدی، محمد صدیق؛ گنجی، محمد؛ و احمدی، یعقوب. (۱۳۸۹). تبیین وضعیت خشونت ساختاری در شهر سنندج. مطالعات اجتماعی ایران، ۴۵ (۱۳)، ۱۰۸-۱۳۲.
۵۹. محمدی لرد، عبدالمحمود؛ و میرمحمدی، مهدی. (۱۳۹۲). اقتصاد سیاسی ثبات. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۹ (۳)، ۷-۳۴.
۶۰. معیدفر، سعید؛ و جهانگیری، پرویز. (۱۳۸۸). اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن مطالعه موردی شهر ارومیه. جامعه‌شناسی تاریخی، ۱ (۱)، ۴۷-۶۸.
۶۱. ملک‌شاهی، مالک؛ قاسمی، یار محمد؛ و گیایو، قربان. (۱۳۹۳). هویت جمعی خرد و میانی (قومی - قبیله‌ای، ملی) با اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان تاجیکستان، شهر دوشنبه). مطالعات میان فرهنگی، ۲۲ (۹)، ۵۷-۸۱.
۶۲. ملکی، امیر؛ و عباسپور، علیرضا. (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی نگرش جوانان نسبت به هویت ملی و مؤلفه‌های آن. پژوهش‌های دانش نظامی، ۳۹ (۱)، ۱۵۲-۱۷۶.
۶۳. ملکی، امیر؛ و عظیمی رستا، محمود. (۱۳۹۱). توسعه انسانی و اعتماد اجتماعی. توسعه اجتماعی، ۲۴ (۶)، ۱۰۵-۱۲۶.
۶۴. موسوی، میر طیب. (۱۳۸۹). اندیشه سرمایه اجتماعی: وفاق اجتماعی، توسعه سیاسی و امنیت ملی. علوم سیاسی - دانشگاه آزاد کرج، ۱۳ (۰)، ۱۱۵-۱۳۸.
۶۵. نرگسیان، عباس؛ هژیرافکن خلاری، حسن؛ و معینی کربکندی، محمدرضا. (۱۳۹۴). مطالعه تأثیر رسانه‌های اجتماعی آنلاین بر شفافیت و اعتماد عمومی با اثر میانجیگری مشارکت عمومی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران). مدیریت دولتی (دانشگاه تهران)، ۲۳ (۷)، ۶۳۷-۶۵۶.
۶۶. نعمت‌اللهی، زهرا؛ فرج‌اللهی، امیر حمزه؛ میر جلیلی، محمدحسین؛ و مؤمنی فرد، حسین. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی). مدیریت نظامی، ۵۰ (۰)، ۱۷۵-۲۰۲.
۶۷. هاشم زهی، نوروژ؛ و جاه‌بین، زهرا. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر اعتماد به عملکرد روابط عمومی قوه قضائیه. مطالعات رسانه‌ای، ۲۳ (۸)، ۱۴۵-۱۵۸.
۶۸. هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۹۲). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. (محسن ثلاثی، مترجم) (ویرایش ۵). تهران: نشر.

۶۹. هرسیچ، حسین. (۱۳۸۳). کسری اعتماد سیاسی: ریشه‌ها و راهکارهای مقابله با آن در نظام مردم‌سالاری دینی. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۱-۲۲(۸)، ۲۳۹-۲۶۴.
70. Almond, Gabriel Abraham; & Verba, Sidney. (2015). *The civic culture: Political attitudes and democracy in five nations*. Princeton university press.
71. Bretzer, Ylva Noren. (2004). How can institutions better explain political trust than social capital does?
72. Brubaker, Roger. (2013). *The limits of rationality* (Vol. 16). Routledge.
73. Chandra, Siddharth; & Foster, Angela Williams. (2005). The “revolution of rising expectations,” relative deprivation, and the urban social disorders of the 1960s: Evidence from state-level data. *Social Science History*, 299-332.
74. Citrin, Jack; & Stoker, Laura. (2018). Political trust in a cynical age. *Annual Review of Political Science*, 21, 49-70.
75. Coleman, James S. (1994). *Foundations of social theory*. Harvard university press.
76. Crozier, Michael J; Huntington, Samuel P; & Watanuki, Joji. (2012). *The Crisis of Democracy. Report on the Governability of democracies to the Trilateral Commission*. *Sociología histórica*, (1).
77. de la Sablonniere, Roxane; Tougas, Francine; & Lortie-Lussier, Monique. (2009). Dramatic social change in Russia and Mongolia: Connecting relative deprivation to social identity. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 40(3), 327-348.
78. Ellison, Craig W; & Firestone, Ira J. (1974). Development of interpersonal trust as a function of self-esteem, target status, and target style. *Journal of personality and social psychology*, 29(5), 655.
79. Fukuyama, Francis. (1995). *Trust: The social virtues and the creation of prosperity* (Vol. 99). Free press New York.
80. Fukuyama, Francis. (2000). *The end of order, Social Capital and its preservation*. Translation by Gholam Abbas Tavassoli, Tehran: Iranians Society Publication.
81. Gabriel, Oscar W. (1995). Political efficacy and trust. *The impact of values*, 357-389.
82. Geurkink, Bram; Zaslove, Andrej; Sluiter, Roderick; & Jacobs, Kristof. (2020). Populist Attitudes, Political Trust, and External Political Efficacy: Old Wine in New Bottles? *Political Studies*, 68(1), 247-267.
83. Giddens, Anthony. (2013). *The consequences of modernity*. John Wiley & Sons.
84. Huntington, Samuel P. (2012). *The third wave: Democratization in the late 20th century* (Vol. 4). University of Oklahoma Press.

85. Johnson, Phil; Brookes, Michael; Wood, Geoffrey; & Brewster, Chris. (2017). Legal origin and social solidarity: the continued relevance of Durkheim to comparative institutional analysis. *Sociology*, 51(3), 646-665.
86. Lipset, Seymour M; & Schneider, William. (1983). *The Confidence Gap*. New York: Free Press.
87. Lipset, Seymour Martin; & Schneider, William. (1987a). *The confidence gap: Business, labor, and government in the public mind*. Johns Hopkins University Press.
88. Lipset, Seymour Martin; & Schneider, William. (1987b). The confidence gap during the Reagan years, 1981-1987. *Political Science Quarterly*, 102(1), 1-23.
89. Lipset, Seymour Martin; & Schneider, William. (1987c). *The Confidence Gap*, revised edition.
90. Macdonald, David. (2020). Political Trust and Support for Immigration in the American Mass Public. *British Journal of Political Science*, 1-19.
91. Miller, Arthur H. (1974). Political issues and trust in government: 1964-1970. *The American Political Science Review*, 68(3), 951-972.
92. Nunkoo, Robin; & Gursoy, Dogan. (2017). Political trust and residents' support for alternative and mass tourism: an improved structural model. *Tourism Geographies*, 19(3), 318-339.
93. Putnam, Robert. (1993). The prosperous community: Social capital and public life. *The american prospect*, 13(Spring), Vol. 4. Available online: <http://www.prospect.org/print/vol/13> (accessed 7 April 2003).
94. Putnam, Robert. (2001). Social capital: Measurement and consequences. *Canadian journal of policy research*, 2(1), 41-51.
95. Richardson, Clare. (2011). Relative deprivation theory in terrorism: A study of higher education and unemployment as predictors of terrorism. Politics Department, New York University.
96. Ritzer, George; & Stepnisky, Jeffrey. (2017). *Contemporary sociological theory and its classical roots: The basics*. SAGE Publications.
97. Rothstein, Bo; & Stolle, Dietlind. (2002a). How political institutions create and destroy social capital: An institutional theory of generalized trust. Presented at the 98th meeting of the American Political Science Association in Boston, MA.
98. Rothstein, Bo; & Stolle, Dietlind. (2002b). *How Political Institutions Create and Destroy Social Capital: An Institutional Theory of Generalized Trust*.

99. Scheidegger, Régis; & Staerklé, Christian. (2011). Political trust and distrust in Switzerland: A normative analysis. *Swiss Political Science Review*, 17(2), 164-187.
100. Van der Meer, Tom WG. (2017). Political trust and the “crisis of democracy.” In *Oxford Research Encyclopedia of Politics*.
101. Van der Meer, Tom WG; & Zmerli, Sonja. (2017). The deeply rooted concern with political trust. In *Handbook on political trust*. Edward Elgar Publishing.
102. Whimster, Sam; & Lash, Scott. (2014). *Max Weber, rationality and modernity*. Routledge.
103. You, Yu; & Wang, Zhengxu. (2020). The Internet, political trust, and regime types: A cross-national and multilevel analysis. *Japanese Journal of Political Science*, 21(2), 68-89.
104. Zmerli, Sonja; & Van der Meer, Tom WG. (2017). *Handbook on political trust*. Edward Elgar Publishing.

